نسیم جنوب
www nasimjonoub COM
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۱۶
یک شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

کدام روز کارمند؟!

حسن مختارزاده

خاطرات کارمندی

نادر اقدام
محمد قدسی
پرویز تأمینی
مرتضی زندپور
منصور مرشدی
غلامرضا قادریان
اسماعیل شاهپیری
سیروس خباز ثابت

بوشهر در گذرگاه تاریخ و فرهنگ

دکتر جعفر حمیدی؛ محبوب و ممتاز

ابراهیم مهدی زاده





سخنرانی علمی پروفسور رضا آذین در آکادمی علوم روسیه

ص ۸

اعتراض استاندار بوشهر:

صنایع مستقر از منابع استان بوشهر استفاده می‌کنند اما منابع و دارایی خود را در بانک‌های شمال تهران سپرده گذاری می‌کنند

ص ۲



یادآوری خاطراتی از کنگره شهید رئیسعلی دلواری

دکتر عباس علوی نژاد

ص ۸

نخستین استخر دانش‌آموزی استان بوشهر به بهره‌برداری رسید

در هفته دولت نخستین استخر دانش آموزی استان بوشهر با حضور احمد محمدی زاده استاندار بوشهر، نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی و سایر مسئولان محلی استان مورد بهره برداری قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار ایرنا، مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان بوشهر در این آئین گفت: این استخر دانش آموزی با زیربنای ۲ هزا رو ۲۷ مترمربع اجرا شده است.

وی اظهار کرد: این استخر دانش آموزی با ۲۳۰ میلیارد ریال اعتبار اجرا شده است.

امام جمعه بوشهر : تامین آب شرب و تکمیل راه آهن از مهمترین مطالبه‌های مردم بوشهر از دولت است

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر گفت: تامین آب شرب، اجرایی و اتصال بوشهر به شبکه ریلی، تکمیل بزرگراه بوشهر به شیراز، حل مساله کالاهای ملوانی و اشتغال جوانان بومی در صنایع مستقر از مهمترین مطالبه‌های مردم این استان از دولت است.

٤پروژه میراث فرهنگی و گردشگری در استان بوشهر بهره برداری و اجرایی شد

همزمان با هفته دولت عملیات اجرایی اسکله تفریحی خلیج فارس و طرح مرمت مسجد جمعه، مجلس آل عصفور و مرمت گذر تاریخی رفیعی - رشیدی در بافت تاریخی بوشهر روز جمعه با حضور معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی و استاندار بوشهر آغاز و مورد بهره برداری قرار گرفت.

مجتمع آموزشی شهدای صنعت هسته ای بوشهر افتتاح شد

همزمان با هفته دولت مدرسه شهدای صنعت هسته ای بوشهر روز جمعه با حضور محمد اسلامی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، احمد محمدی زاده استاندار بوشهر و جمعی دیگر از مسئولان استان مورد بهره برداری قرار گرفت.

یکهزار واحد مسکونی مددجویی دو سال اخیر در بوشهر بهره‌برداری شد

مدیرکل کمیته امدادامام خمینی (ره) استان بوشهر گفت: بیش از یک هزار واحد مسکونی مددجویی با همکاری سپاه پاسداران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان و سایر نهادهای ذی ربط و خدمت رسان درقالب تفاهم نامه های مختلف ، مدت دو سال اخیر در این استان به بهره برداری رسیده است.

۱۰ هزار متر مکعب به ظرفیت آبشیرین کن بوشهر افزوده شد

همزمان با هفته دولت، فاز نخست آبشیرین کن شماره چهار در مجموعه شهید عباسپور بوشهر با ظرفیت تولید ۱۰ هزار متر مکعب در روز افتتاح و وارد مدار شد.

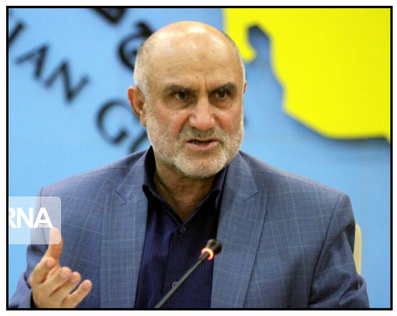
به گزارش خبرنگار ایرنا، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر روز جمعه در آیین افتتاحیه این واحد آبشیرین کن گفت: فاز نخست این پروژه در قرارداد ۷ هزار متر مکعب بود و اجرای آن از آذر ماه ۱۴۰۰ آغاز و خرداد ماه امسال وارد پیش تولید شد.

ابوالحسن عالی افزود: فرآیند اجرای فاز نخست این پروژه ۶ ماه بود و اکنون ۱۰ هزار متر مکعب در شبانه روز آب تولید می‌کند.

وی اعلام کرد: مبلغ کل سرمایه گذاری در اجرای آبشیرین کن شهید عباسپور ۲۴۰ میلیارد تومان است که در فاز نخست آن ۱۸۰ میلیارد تومان هزینه شده است.بر اساس برنامه ریزی‌های انجام شده فاز نهایی این پروژه در دهه فجر امسال وارد مدار می‌شود.

اعتراض استاندار بوشهر:

صنایع مستقر از منابع استان بوشهر استفاده می‌کنند اما منابع و دارایی خود را در بانک‌های شمال تهران سپرده گذاری می‌کنند



استاندار بوشهر: سهم استانها از منابع اعتباری باید به خودشان واگذار شود

استاندار بوشهر گفت: ۸۰ درصد منابع اعتباری استانها در اختیار وزارتخانه‌ها قرار دارد و تنها ۲۰ درصد آن در اختیار مدیریت استانی است که لازم است این رویه تغییر کند چرا که مدیران استانی برای جذب این منابع با دشواری روبرو هستند .

به گزارش خبرنگار ایرنا، احمد محمدی‌زاده در نشست شورای اداری استان بوشهر که با حضور معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی برگزار شد، بیان کرد: ۲۰ درصد اعتبارات در اختیار این استان به خوبی مدیریت شده است اما برای جذب ۸۰ درصد باقیمانده سهم خود باید به وزارتخانه‌ها «التماس کنیم».

وی ادامه داد: هر مصوبه‌ای از سفر استانی مهرماه پارسال رئیس جمهور و هیات دولت که به درستی در این استان اجرا نشده است، همان مواردی هستند که منابع آن در اختیار وزارتخانه‌ها بوده است.

استاندار بوشهر با بیان اینکه یکی از بخش‌هایی که در زمینه تخصیص اعتبار به این استان کوتاهی کرده است شرکت شهرک‌های کشاورزی است، گفت: از رفتار و عمل این شرکت در تخصیص سهم استان بوشهر از بودجه گلایه داریم.

وی در این ارتباط با اشاره به اینکه منابع مالیاتی استان‌ها باید به خودشان واگذار شود، گفت: پارسال در استان بوشهر هفت هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان مالیات وصول شد در حالی که اعتبارات عمرانی این استان یکهزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بوده است.

استاندار بوشهر اضافه کرد: امسال به پیشنهاد استان بوشهر به سازمان امور مالیاتی اعلام شد که توان وصول ۱۳ هزار میلیارد تومان مالیات در این استان وجود دارد و باید تصمیم گرفته شود که مدیریت این منابع به استان‌ها واگذار شود.

محمدی زاده افزود: یکی دیگر از تصمیمات اساسی این است که صنایع مستقر در استانها ملزم شوند تا منابع خود را در بانک‌های استان محل استقرار سپرده‌گذاری کنند.

وی گفت: در زمان حاضر صنایع مستقر از منابع استان بوشهر استفاده می‌کنند اما منابع و دارایی خود را در بانک‌های شمال تهران سپرده گذاری می‌کنند و با تبدیل به واحدهای مسکونی در محله‌های شمالی پایتخت با قیمت هر متر ۲۵۰ میلیون تومان، بازار مسکن کشور را ملتهب می‌کنند .

استاندار بوشهر ادامه داد: لازم است صنایع به صورت قانونی ملزم و موظف شوند تا دست کم ۵۰ درصد از نیاز نیروی کار خود را از استان و جغرافیایی که مستقر هستند تامین کنند و رویه پیگیری این امر از شکل رفاقتی و دوستانه به شکل الزامی و قانونی تغییر کند.

محمدی زاده یادآورشد: در همه دنیا صنعت یک تا سه درصد از سود خالص خود را به ازای آسیب‌های جغرافیایی و انسانی که به منطقه پیرامونی وارد می‌کند، صرف عمل به مسئولیت های اجتماعی می‌کند که این مهم باید در کشور ایران نیز به عنوان مصوبه‌ای قانونی تصویب شود.

وی اضافه کرد: براین اساس صنایع مستقر در هر استان موظف شوند که کالاهای تولیدی استان میزبان خود را خریداری کنند چرا که اکنون در رویه‌ای بد و اشتباه تامین نیاز به دنبال رابطه‌هایی نامشخص صورت می‌گیرد.

محمدی‌زاده با انتقاد از این رفتار، بیان کرد: استان بوشهر تولید کننده ۱۵ درصد خرمای کشور در ۵۰ گونه این محصول است اما صنایع مستقر در استان نیاز خرمای خود را از محلی که یکهزار و ۲۰۰ کیلومتر با اینجا فاصله دارد تامین می‌کنند.

محمدی زاده با اشاره به ظرفیت‌های گسترده استان بوشهر در بخش‌های مختلف، یادآورشد: ۹۰ درصد نفت کشور از بوشهر صادر می‌شود و ۷۴ درصد گاز کشور و ۵۰ درصد محصولات پتروشیمی کشور، ۲۰ درصد نفت خشکی و ۷۰ درصد در آبهای این استان تولید می شود و بوشهر میزبان تنها واحد نیروگاهی تولید برق با ظرفیت یکهزار مگاوات در کشور است.

محمدی‌زاده افزود: استان بوشهر ظرفیت بسیار خوبی در حوزه کشاورزی دارد؛ ۵۰ درصد میگوی کشور، ۱۵ درصد خرمای کشور و ۱۲ درصد گوجه فرنگی کشور خارج از فصل در این استان تولید می‌شود.

وی اضافه کرد: حدود ۵۰ هزار خانوار بوشهری در حوزه تجارت و بازرگانی فعال هستند و زمانی ۱۴ کنسولگری خارجی در این استان فعال بوده است.

استاندار بوشهر ادامه داد: در حوزه گردشگری، بوشهر ظرفیت‌های بسیار بی نظیری دارد؛ ساحل بیش از ۹۰۰ کیلومتری و هوای بسیار خوب در نیمه دوم سال و وضعیت آب و هوایی بهاری در زمستان و مردمی بسیار مهمان نواز زمینه را برای توسعه گردشگری در این استان مهیا کرده است.

با این همه، محمدی‌زاده به برخی از کاستی‌ها و نیازهای استان بوشهر اشاره و عنوان کرد: میانگین شاخص‌های درمانی در استان بوشهر نسبت به دیگر استانها به شدت پایین است؛ نسبت تخت به بیمار در بیمارستان کشور یک و هفت دهم به ازای هر هزار نفر است در حالی که این میزان در بوشهر ۹ دهم درصد است و همین وضعیت در دیگر بخش‌ها مانند تعداد پزشک نیز مشاهده می‌شود.

وی افزود: استان بوشهر ۲ جاده ساحلی دارد، یکی جاده بوشهر به دیر و دیگری بوشهر به گناوه که طرح توسعه ای آن متوقف مانده است.

استاندار بوشهر درباره جاده ساحلی بوشهر - دیر گفت: شرکت ملی نفت اجرای این جاده را آغاز کرد اما چند سال است که با پیشرفت فیزیکی ۴۰ درصد متوقف مانده است و وزارت نفت باید ملزم شود که این پروژه را به سرانجام برساند.

وی بزرگراه بوشهر به شیراز را دیگر نیاز اساسی استان بوشهر عنوان کرد و گفت: این مسیر مواصلاتی فاصله استان‌های مرکزی و جنوبی کشور را به بوشهر چند ساعت کوتاه تر می کند.

معاون عمرانی استاندار بوشهر:

تکمیل آزاد راه شیراز - بوشهر از مطالبات مردم این استان است



معاون امور عمرانی استاندار بوشهر گفت: با توجه به نقش و اهمیت کریدورهای بزرگراهی و ارتباطی در ایمنی سفر و کوتاه شدن مسیر تکمیل آزاد راه شیراز - بوشهر از مطالبات به حق مردم این استان است.

به گزارش خبرنگار ایرنا، محمد هادی رستمیان در نشست شورای اداری استان بوشهر که با حضور معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی برگزار شد افزود: احداث آزاد راهها و بزرگ راهها بعنوان یک سرمایه ملی به شمار می روند و در همین ارتباط تکمیل آزاد راه شیراز - بوشهر باید در اولویت قرار گیرد

وی همچنین بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های بندری در بندر بوشهر و ایجاد زیرساخت لازم برای پهلو گیری کشتی های ۵۰ هزار تنی در بندر بوشهر که نقش مهمی در رونق اقتصادی این بندر دارد نیز تاکید کرد.

رستمیان با بیان اینکه نهضت جهش تولید مسکن از اولویت‌های دولت سیزدهم به شمار می رود اضافه کرد: براساس برنامه ریزی انجام شده سهم سالانه استان بوشهر برای احداث مسکن ۱۰ هزار و ۷۲۶ واحد تعیین شده است که امروز با اقدامات جهادی دولت تاکنون عملیات اجرایی ۱۲هزار و ۲۷۶ واحد در استان آغاز شده و این رقم بیش از سهمیه مصوب استان بوشهر به شمار می رود.

وی برطرف کردن مشکل تامین آب در نقاط مختلف استان بوشهر را از دیگر اولویتهای استان بوشهر عنوان کرد و ادامه داد: در همین ارتباط در یک سال عمر دولت سیزدهم ظرفیتهای جدید آب شیرین کن در استان ایجاد و بخشی دیگر نیز در دست مطالعه است که از جمله آنها آب شیرین کن پنج هزار مترمکعبی عسلویه،یک هزار و ۵۰۰ مترمکعبی اخند، سه هزار و ۷۵۰ مترمکعبی دیر، هشت هزار و ۵۰۰ مترمکعبی آبپخش و سعدآباد و یکصد هزار مترمکعبی بوشهر از جمله مهمترین اقداماتی است که در این مدت انجام شده است.

رستمیان گفت: در زمینه احداث سدها سد باهوش ازجمله مهمترین سدهای استان است که اجرای آن نقش مهمی در برطرف کردن مشکل آبیاری نخیلات تنگستان برعهده دارد.

عملیات اجرایی آبشیرین کن ۷۰ هزار مترمکعبی بوشهر آغاز شد

همزمان با گرامیداشت هفته دولت عملیات اجرایی آبشیرین کن ۷۰ هزار مترمکعبی بوشهر با حضور محمد اسلامی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، نماینده ولی فقیه در استان، استاندار بوشهر و شماری از مسئولان استان آغاز شد. به گزارش خبرنگار ایرنا، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی در حاشیه آئین آغاز عملیات اجرایی آبشیرین کن ۷۰ هزار مترمکعبی نیروگاه بوشهر در گفت وگو با خبرنگاران گفت: با توجه به اعلام آمادگی در استان بوشهر این ۷۰ هزار مترمکعب آبشیرین کن بعنوان یکی از مطالبه های دیرینه مردم استان بوشهر ظرفیت سازی شد.

وی اظهار کرد: آبشیرین کن ۷۰ هزار مترمکعبی نیروگاه بوشهر باید در یک برنامه زمان بندی ۲ تا ۲.۵ ساله اجرا شود و تلاش می شود در کمتر از ۲ سال به اجرا درآید.



بوشهر در گذرگاه تاریخ و فرهنگ

دکتر جعفر حمیدی؛ محبوب و ممتاز

ابراهیم مهدی زاده

سال های تحصیلی ۴۸ – ۴۹ شمسی دبیرستان سعادت که تعطیل می شد، می زدیم بیرون و می آمدیم کتابفروشی «مهرداد» خیابان شاهپور یا دفتر هواپیمائی سهامی یا نوشت افزار فروشی امیرکبیر با مدیریت جناب مهدی درزی که این دو آخری مطبوعاتی هم بودند. کریم سینا، طاهر ایرانی، باقی دشتی، جمشید افروز ... کتابفروشی «مهرداد» پاتوق استاد باباچاهی بود و دوستان اهل ادبیات داستانی و شعر و عکاسی و سینما.

تا آن جا که در حافظه ام مانده محمد رضا حمزه ئیان، سید کریم کازرونی، جواد رشیدی، مهندس بهنیا، شکوهی، اسحاق کهن و ماندنی حاجی زاده ... و چند نفر دیگر که گاه نا منظم می آمدند مثل ناصر وجدان، اسکندر احمدنیا و شهیدان انقلاب جمشید نوش زاد و شاهپور محمد علی پور.

گاه می شد می رفتیم اتاق روی سر دالان خانه پدری محمدرضا حمزییان کوچه بانک صادرات روبروی کتابفروشی " مهرداد " برای دیدن عکس های تازه محمدرضا که در خانه ی پدریش تاریک خانه ظهور عکس داشت یا ریسه میشدیم کنار دریا و "تل عاشقان " و حوالی باشگاه ایران جوان یا اگر فیلمی اکران بود ، مثلا " گاو" مهرجویی یا " رگبار" تقوایی یا "قیصر"کیمیائی یا " شوهرآهوخانم" ... می رفتیم سینما فانوس.

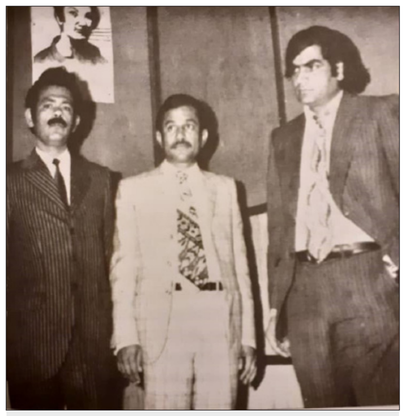
گاهی هم پیس خوانی داشتیم آمفی تئاتر فرهنگ برای اجرا که یکی دو بار زمان اجرا، مجوز ندادند و زحمت دو سه ماهه مان به هدر می رفت. بودیم تا پاسی از شب. طبیعی است محور گپ و گفت ما شعر و کتاب و سینما و تاتر و مقالات مجله فردوسی، نگین، تهران مصور، روشنفکر و ماهنامه های آرش، جهان نو، سهند و اینجور چیزها بود... روزی رسیدیم کتابفروشی مهرداد، استاد باباچاهی هنوز جواب سلام نداده گفت چند کتاب تازه از تهران و شیراز آمده، ببینید.

کتاب شعر "خنجر زخمی تغزل "حسین منزوی و یک مجموعه داستان بنام "دهکده پرملال" امین فقیری و یک داستان بلند هم با حجم کم از انتشارات لوح بود، بعد اضافه کرد: غافل نشوید... و آن کتاب "نماز میت" بود به نویسندگی زنده یاد رضا دانشور... کتاب "در بی تکیه گاهی" جناب باباچاهی و "وصلت در سده تظلم" استاد حمیدی و دومین کتاب آتشی "آواز خاک"، زمینه و اشتیاق در مدارس و علاقه به نشر را در نشریات محلی را فراهم کرد. بیشترین فعالان ادبی، حلقه یاران باباچاهی در دبیرستان داریوش کبیر بودند و دبیران مدرسه سعادت استاد حمیدی و استاد عین الملک، استاد برازجانی، هنرستان فنی حرفه ای حاج جاسم به محوریت استاد نعمتی زاده بود.

دانش آموزان تاتر و نمایش و گروه موسیقی که گاه تحقیقات بومی شهر، اشعار یزله، نی جفتی یا ضرب المثل های رایج بوشهر، فکلور یا اشعار بازی های رایج نوجوانان یا دعای باران... جمع آوری و به نشریات می سپردند. اگرچه این نشریات عمر کوتاهی داشتند اما اشتیاق آن در اهالی هنر باقی می ماند.

جلسات شعرخوانی معمولا عصرها بود با موضوعات از پیش اعلام شده که در تابلو اعلانات مدارس سنجاق می شد و دهان به دهان منتقل می شد. کانون دیگر کتابخانه فرهنگ بود پشت اداره کل که معمولا دوستان شاعر برای تصحیح به استاد نعمتی زاده مراجعه داشتند. گاهی هم استاد باباچاهی اگر با استاد نعمتی زاده و یا شیرزاد محمدآقای یا آذری یا دکتر حمیدی جلسات بزرگان داشتند که طبعا برای حضور ما، محلی از اعراب نداشت. خانه استاد حمیدی در خیابان شاهپور (لیان) روبروی بانک ملی فعلی بود و اگر کسی نوشته برای تصحیح داشت، مانعی برای زنگ زدن و دیدار با استاد نبود.

دکتر حمیدی به مقوله داستان توجه خاص داشت. برای نمونه بر چاپ دوم کتاب "دهکده پر ملال" امین فقیری یاداشتی عالمانه نوشت که مورد استفاده ما نیز قرار گرفت و هنوز هم ارزش



استاد باباچاهی، دکتر حمیدی، زنده یاد حامدی دبیر دبیرستان بوشهر و برازجان

هنری و تحقیقی آن قابل بهره برداری است. شاید میان دبیران مدارس دکتر حمیدی و استاد حسن برازجانی در مورد توجه به داستان و سخت گیری به نثر، شاخص بودند. به قول معروف، به کسی باج نمی دادند.

منش دکتر حمیدی با دیگران تفاوت داشت. به انتظار می ماندیم تا فولکس‌واگن سفیدش پارک کند و با نگاه مهربانش ما را ببیند. چه او مدام در حال جواب سلام و علیک عابران و کسبه خیابان بود. او خسته از کلاس درس، اما مهربان و بی تکلف، نوشته ها را می گرفت و برای خواندن وقت می گذاشت و راهنمایی لازم را در حاشیه متن با مداد یاداشت می گذاشت. نوشته های من شعر نبود. نقد سینمائی بود و فیلم نامه مستند یا داستان که زمان زیادی را می گرفت. اما استاد با حوصله می خواند و با مهربانی، که از ویژگی ذاتی اش بود، تذکر لازم را می داد.

یکی از اخلاقیات استاد حمیدی آن بوده و هست که متن نوشته تو را برای کس دیگری واگویه نمی کرد. اجازه هم نمی داد کسی در مورد دیگری قضاوت و داوری کند. چیزی که آن زمان، میان اهالی ادب و هنر و تئاتر رایج بود. بعد از پخش و گرفتاری نشریه ای، که برای جمع ما احضار به ساواک پیش آمد، جمع دوستانه دچار تفرقه و ترس ناشی از تکرار آن پیش آورد و این دیدار ها به منازل و جاهای دیگری منتقل شد. اما این تفرقه یک حسن هم داشت و آن این بود که سرانه مطالعات فردی را افزایش داد. سین جیم های مکتوب اداره ی بدون تابلو(ساواک) از دوستان بیشتر احوالات این دبیران و موضوعات مطرح در کلاس بود و ارتباط آنها با تهران که از چه کسی دستور می گیرند و به شما چی دیکته می کنند.

نوشتم استاد حمیدی با دیگر شاعران و نویسندگان بوشهری تفاوت در اخلاقیات بسیار داشت اما نباید از تفاوت هنری او با دیگران غافل بود و تنها به منش و سلوک او، کار او را کاهش داد. استاد علاوه بر آفرینش شعری چه در حوزه نیمایی یاغزل و اوزان کلاسیک و نقد ادبی، بومی سرایی، دو بیتی ، آثار ارزشمندی در حوزه تحقیقات تاریخی مثل ابوسعید گناوه ای، تاریخ خلیج فارس، تاریخ اورشلیم، مطبوعات عصر قاجار، فرهنگ نامه بوشهر، وزیر کشان آسیه ملکه مصر، داستان سیاوش... تحقیقات در مورد رودکی، منوچهری، فرخی سیستانی، کسائی مروزی، سعدی در جزیره کیش و دیگر تحقیقات مشترک با اساتیدی از قبیل دکتر احمد کازرونی... وجه تمایز ایشان با دیگر هم دوره ها و دوستان بوشهری است.

از دیگر تفاوت استادحمیدی حضورش در پست مدیریت باشگاه محبوب بوشهریان یعنی باشگاه شاهین بود که بر تواضع ذاتی او می افزود. تواضع در عین اقتدار.

تواضع زگردن فرازان نکوست
گدا گر تواضع کند خوی اوست

گاهی، بعضی دوستان وجه تحقیقی استاد را رجحان برآفرینش شعری او می دانند. در این مقوله محل اختلاف است. اما مجموعه تحقیقی استاد بر وجه شاعرانه نه تنها در تعارض نیست بلکه هم عرض و در تکمیل وجه شاعرانه او است.

در مورد تحقیقات شاملو در مورد حافظ و فردوسی محل اشکال است و اهل فن در هر دو مورد تفریط و افراط ارزیابی کرده اند. اما در وجه شاعرانه شاملو نباید ما را به اشتباه بیندازد. هنرمند در طول حیات هنر خویش ممکن است اثری خلق کند که با دیگر آثارش در اوج نباشد. این در مورد تمام هنرمندان صادق است. یا گروهی این اثر را بپسندند و گروهی دیگر اثر دیگر هنرمند . یک وجه تمایز دیگر استاد حمیدی با دیگر دوستانش عدم پنهان کاری در مورد عشق و علاقه اش به استان بوشهر و شخصیت های ملی و مبارز راه آزادی و نهضت جنوب با کمپانی هند شرقی وانگلیس است. او دریا و نمک زار و نخل های سوخته از عطش آب را دوست دارد. باید اعتراف کرد این عشق گاه رشک انگیز و گاه رنگ اسطوره ای دارد...

استاد را در تحقیقات نمی توان شناخت. به دلیل آن که در تحقیقات نقش پروسه اکادمیک، پر رنگ تر و عاطفه و احساس کمتر ملاک است و بی طرفی و اراده ی معطوف به کشف حقیقت، حرف و اول و آخر و ابزار اولیه محقق است.

اما برای شناخت استاد حمیدی آنجا که عاطفه و احساس نقش حیاتی دارد، بهتر می توان به نظریه شناخت دست یافت. در تعریف هنر گفته اند که هنر بازتاب عاطفی هنرمند است از محیط و پیرامون او . از کتاب "وصلت در سده تظلم" تا " ابرباران بار" تا " از سایه تا نشان"... همگی نشان می دهد شعر در آثار استاد حمیدی جنبه "دوآلسیم" خیر و شری ست و بر قاعده ی خرد طرحی و احساس شده و شعرهای "پلی فونی" و چند معنائی در دستور کار شاعر نیست. اگر شعر را به تعبیر شاملو حاصل هیجان در جان شاعر بدانیم که ناگهان بر ذهن و زبان شاعر جاری می شود، در پس زمینه ذهن شاعر ما اعتدال و خرد و جهان نور و ظلمت عنصر مسلط است. این یعنی استاد حمیدی شاعر "اقلیت" نیست. به عبارت دیگر او شاعر آوانگارد به تعریف میشل فوکو و دریدا با تکثر در معنا و مشارکت خواننده در تکمیل معنا، مجاورت و همراهی ندارد بلکه خرد و سنت شاعرانه اش از "پیام ویژه" طبعیت می کند.

این نگاه متکی به خرد و اعتدال به ادبیات، طبعا مخاطب خودش را دارد و عنصر چند معنائی و بی معنائی پسامدرن با دوآلسیم خیر و شری حاکم بر اشعار استاد، هیچ همخوانی ندارد. عقل و منطق در ساختار پسامدرن به سامان نیست. برای ایجاد تجانس بین دو عنصر نامتجانس، نیاز به واسطه است که این جا آن واسطه وجود ندارد و شعر استاد، یک سره در خدمت خرد و اعتدال و عاطفه و عشق در گردش است.

زندگی آگاهانه

مثبت اندیشی تیغ دو لبه

حسین زیراهی –مدرس مهارتهای توسعه فردی



«آنچه می‌خواهید را بصورت دقیق از کائنات درخواست کنید، به کائنات ایمان قوی داشته باشید، ارتعاشاتی مشابه ارتعاش خواسته‌تان به جهان ارسال کنید تا خواسته شما برآورده شود.» این ها مراحل سه‌گانه درخواست، ایمان و دریافت در کتاب و فیلم راز است. یا مثلا اگر حالتان خوب نیست با تلقین و جملات مثبت می توانید حال خود را عوض کنید. با گفتن جملات انگیزشی مثبت مانند "من می‌توانم" می‌توانید طرز فکر خود را عوض کنید.

مثبت‌اندیشی نخستین بار توسط مارتین سلیگمن روانشناس آمریکایی در دهه هفتاد میلادی ارائه شد. سلیگمن با تحقیق مشهور خود بر روی سگهای شیانلو به این نکته دست یافت که اگر انسان از گرفتن نتیجه ناامید شود دیگر تلاشی در آن زمینه نخواهد کرد. او این حالت را درماندگی آموخته شده نامید. درماندگی آموخته‌شده باعث می‌شود فرد مشکلات و موانع را همیشگی و در مقابل موفقیت را استثنا بداند و در نتیجه چرخه‌ای شکل بگیرد شامل ناامیدی، تلاش نکردن و عدم موفقیت. در مقابل درماندگی آموخته‌شده خوش‌بینی آموخته‌شده قرار دارد که فرد مشکلات و سختی‌ها را موقتی و استثنا می‌داند و باور دارد با تلاش به نتیجه خواهد رسید.

این ها دو نسخه یا روایت از مثبت‌اندیشی در جامعه امروز دنیا است. متاسفانه نسخه اول چون نیاز به تلاش و زحمت خاصی ندارد طرفدار بیشتری دارد. همین حالا سایتها و صفحات اینستاگرامی بی شماری با نامهای قانون جذب و غیره در حال آموزش مخاطبان خود برای جذب موفقیت، ثروت، روابط خوب و حال خوش‌اند. مثبت‌اندیشی بر گرفته شده از قانون جذب بر مبنای رویاپردازی آرزوها است. در این شیوه شما باید خواسته‌های خود را طوری تصور کنید که انگار به آنها رسیده‌اید تا زمانی که آن رویداد زیبا اتفاق بیفتد. مثلا اگر خواهان خانه‌ای ویلایی با استخر و زمین گلف و دریاچه هستید باید خود را در آن شرایط با جزییات دقیق مجسم کنید. مشکل مثبت‌اندیشی به شیوه قانون جذب این است که هیچ روش یا راه‌حلی برای رسیدن به آرزوها به دست نمی‌دهد. همچنین موانع و مشکلات مسیر موفقیت را هم مشخص نمی‌کند. ضمن این که رویاپردازی باعث می‌شود مغز به تدریج فکر کند شما به آن آرزو رسیده‌اید و در نتیجه برای رسیدن به آن تلاشی نکند. یا در موضوع جملات مثبت مشخص شده است اگر شما حالتان واقعا بد باشد مغزتان این موضوع را باور نمی‌کند و تلاش بیشتر برای داشتن حال خوب باعث می‌شود حالتان بدتر شود. اگر در زمینه‌ای دانش، تجربه یا مهارتی ندارید با تلقین و گفتن جملاتی مانند من می‌توانم چیزی بدست نمی‌آورید.

ولی در مقابل در شیوه مثبت‌اندیشی آموخته‌شده فرد بر اساس تجربیات و دستاوردهای گذشته خود باور دارد که اگر به اندازه کافی تلاش کند می‌تواند به خواسته‌های خود برسد. در این روش مشکلات و موانع همچنان وجود دارد و او باید برای گذر از آنها بدنبال راه‌حل باشد. ضمنا می‌داند که میزان تلاش و راه‌حلهای او باید متناسب با بزرگی آرزویش باشد. یا در زمینه حال درونی می‌داند که این وضعیت موقتی بوده و قرار نیست تا همیشه حالش این طور بماند. اگر فاقد مهارت یا دانشی است باور دارد که اگر وقت و انرژی کافی در آن زمینه بگذارد به نتیجه خواهد رسید.

بصورت خلاصه می‌توان گفت مثبت‌اندیشی باید بر اساس امید به موفقیت همراه با تلاش باشد نه رویاپردازی و تلقین صرف.

کدام روز کارمند؟!

حسن مختارزاده - بازنشسته اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی



نیست آقا نیست، نگرد، نخوان، نیست، مگر آدم چشم براه مانده دو زار دهشاهی را با هزار هزار طلبکار به صف کشیده و نفس بریده و کمر خمیده را هم می توان کارمند خطابش نمود و برایش روزی و سالروزی را در تاروپود این تقویم گیج و منگ پر از روزهای مناسبتی و غیرمناسبتی تحت عنوان روز کارمند طراحی نموده و تلاش بی مثالش را گرامی داشت. نیست آقا، نمی شود، این که ما به یادتان هستیم، افاضات ناب حضرات ارباب ریاست است و کیاست است و سیاست که در همه حال داد سخن می دارند، سالانه سالی، کلامی از باب مناسبتی، ای قوم اگر چه مقروضید، اگر چه شکم بر زمین می سایید، این ها به جای خود، اما بدانید و آگاه باشید که به یادتان بوده و هستیم، از فکرتان شبانه هر شب آسوده نخواهیم خفت، باور کنید ایها الکارمند، شما کارمندان، شما شیران، شما دلیران، و هرچه شمای دیگر، نفس شاهرگ حیات این اداره و سازمان و وزارتخانه و فلان و بهمان هستید، چرخ دنده اصلی چرخش زندگی ما شما هستید، هرچند که خود و خانواده شریفشان به زیر همین چرخ دنده ها له و لورده می گردید ولی بدانید که به یادتان بوده و هستیم خواهیم بود، سالی یک بار برایتان مجلس فاتحه... ببخشید بزرگداشت خواهیم گرفت و گرامیتان خواهیم داشت، لوح تقدیرتان چند روزیست که مهیا گردیده و کارت هدیه ناقابل که هیچگاه در طول تاریخ بشریت قابل دار نگردیده تقدیمتان خواهد شد. البته این فقط بدان معناست که به یادتان بوده و خواهیم بود.

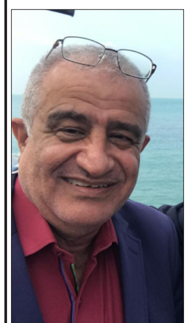
بله آقا حکایت روز ما بلانسبت کارمند، ببخشید کارمند همواره این بوده و خواهد بود، ما فعلا بلندای ترازوی زندگی مانده ایم، ده ریال به کفه حمایت می گذارند، هزار ریال برداشت می کنند، و سپس روزمان را گرامی می دارند.

البته یک مدل کارمند از ما بهتران هم داریم که بماند، کاری به کارشان نداریم، خودشان برای خودشان دم دستگاهی دارند و همه روزه و همه ساعته به بهانه ای تقدیر می شوند، خدا بدهد برکت، به ما چه مربوط است، این هم که مرقوم داشته ایم بر این معناست که زحمت نکشید، وقت گرانبهای خود را در این هوای گرم و مشکلات و بی برقی و بی آبی صرف گرامیداشت روز ما نکنید، روز کارمند روزیست که سر ماه که شد به حقوقش ده ریال اضاف نکرده و هزار ریال برداشت نکنید. ماهم دعا گویتان خواهیم بود.



تصادف عجیب دوران کارمندی

منصور مرشدی



من متولد بهمن ماه سال ۱۳۳۸ هجری شمسی هستم که در محله جبری بوشهر بدنیا آمدم و هم اکنون نیز با داشتن دو فرزند پسر و دختر و یک عروس نازنین و یک نوه عزیز، به زندگی دوست داشتنی خود در کنار همسر ارجمندم ادامه می دهم.

در زمان انقلاب سال ۵۷ من دانشجوی ترم اول دانشگاه شیراز (پهلوی سابق) بود و اولین فعالیت غیر رسمی داوطلبانهٔ خود را در تابستان ۵۸ در جهاد سازندگی بوشهر مستقر در چند اتاق محوطهٔ سالن ورزشی شهید صدوقی، شروع کردم و به این نوع فعالیت داوطلبانه در تابستان سال ۵۹ نیز بعد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی بوشهر ادامه دادم و در مهر همان سال به عنوان دبیر حق التدریس در دبیرستان دخترانه و پسرانه بندر دیلم مشغول شدم و در کنار أن به کارهای فرهنگی و اجتماعی با سپاه و انجمن اسلامی دانش آموزان پرداختم.

در ۲۷ مرداد سال ۶۰ عضو رسمی سپاه پاسداران دیلم شدم و در نیمه دوم سال ۶۲ نیز مجددا جهت ادامه تحصیل به دانشگاه برگشتم و چون چند بار بشکل داوطلبانه در جبهه جنگ حضور داشته و در ایام عملیات کربلای ۵ نیز مجروع شدم، فارغ التحصیلی من بعد از ده سال در سال ۶۷ اتفاق افتاد و به عنوان یک کارشناس، در وزارت سپاه در تهران مشغول بکار و در نیمه دوم سال ۶۷ به عنوان مامور در کمیته آب جهاد سازندگی بوشهر به فعالیت ادامه دادم.



بعد از آن مرخصی بدون حقوق گرفتم و جهت تحصیل کارشناسی ارشد به دانشگاه صنعتی اصفهان رفتم. در خرداد ماه سال ۷۲ در شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر شاغل و نهایتا در ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ بعد از ۳۵ سال سابقه بازنشسته شدم. البته طی این مدت، ۴ سال مدیرعامل آبفا استان بوشهر بودم که با تکمیل پروژه فاضلاب بوشهر، موفق شدیم بهره برداری رسمی پروژه را با حضور وزیر نیرو در اسفند ماه سال ۱۳۷۶ اعلام نماییم.راه اندازی و بهره برداری آب شیرین کن های بوشهر و کنگان با سرمایه گذاری BOT شرکت نور ویژه، یکی دیگر از فعالیتهایی است که در اواخر اشتغال من متحقق شد که مقدمهٔ بسیار خوب و مفیدی برای برگزاری مناقصه، انتخاب شرکتهای سرمایه گذار و انعقاد قرارداد برای چندین پروژه آب شیرین کن با اندوخته های علمی و تجربی بیشتر و بهتر گردید.



یکی از خاطره هایی که دارم مربوط به نیمه دوم سال ۶۱ می باشد که من به اتفاق همکارم جهت کاری به اهواز و شوش دانیال جهت سر زدن به رزمندگان اعزامی از دیلم، ماموریت داشتیم و در برگشت به بندر دیلم که عصر پنجشنبه بود و قصد داشتم خودم را برای خواندن دعای کمیل به روستای امام حسن برسانم که متاسفانه بدلیل چرت زدن پشت فرمان ماشین که لندرور بود، مقابل روستای عامری تصادف کردیم و من خون ریزی مغزی کردم که خون وارد نخاعم شده بود و دو ماه از زندگی را کاملا فراموش کرده ام و همکارم نیز به دلیل ضربه به سر شدیدا مصدوم شده بود و هر دوی ما را نهایتا به بیمارستانی در اهواز بردند. جالبی قضیه این بود که همکارم در بیمارستان، به هر خانم پرستاری که می آمده، می گفته خانم بیا یه بوس بده که باعث خنده پرستارها شده بود و بعد از بهبودی در ماموریتهایی که می رفت خودش مستقیم به خواستگاری میرفت و من نمی دانم که این تصادف چه تغییری در ایشان ایجاد کرده بود!

رفسنجانی با هلی کوپتر به دیدن ما آمد

محمد قدسی



در سال ۱۳۵۰ در کنکور سراسری که در مدرسه عالی فیروزکر تهران، امتحان دادیم و پس از پذیرفته شدن به دانشکده کشاورزی دانشگاه پهلوی رفتیم و مشغول درس خواندن شدم. دروسی چون حسابداری شرکتها - حسابداری عمومی - اقتصاد کشاورزی - آمار- آیین نگارش و نامه نگاری - اقتصاد عمومی - امور حقوقی شرکتها - تعاون در دنیا و در ایران را خواندیم و اولین هم دوره ای های من در دانشگاه شیراز که درس خواندیم محمد علی اصلاح پذیر، محمود خسرویان، مرتضی هوشمند بودند و بعدها هم همکار شدیم.

پس از پایان تحصیل و دادن امتحان ورودی، به استخدام رسمی تعاون روستایی درآمدم و بنده به سازمان تعاون روستایی شهرستان رامهرمز انتقال یافتم و پس از یکسال به شهرستان مسجد سلیمان و دو سال تا سال ۱۳۵۴ مسجد سلیمان به انجام وظیفه مشغول، سپس در شهریور ۱۳۵۴ به استان بوشهر منتقل شدم و به عنوان مسئول هماهنگی به تنگستان که آن زمان بخش بود رفتم و مدیریت دو شرکت اداره و راهنمایی هیئت مدیره مدیرعامل آن شرکتها شرکت تعاون روستای ساحل به مرکزیت دلوار بودم.

در سال ۱۳۵۶ به عنوان کارشناس بازرگانی به مرکز استان بوشهر گمارده شدم. ناگفته نماند که آن زمان دانشجوی دانشگاه هم بودم که پس از انقلاب بنام پیام نور تغییر نام داد تا سال ۱۳۶۴ مجددا به عنوان مسیول امور هماهنگی تعاونی‌های روستایی به کاکی و سنا شنبه گمارده شدم و چندین تشویقی از مدیران کل و تهران اداره مرکزی به لحاظ فعالیتم گرفتم و ارتقاء رتبه ای هم داشتم.

کلا شغل ما سرپرستی و اداره شرکت‌های تعاونی روستایی بود که بعد از اصلاحات ارضی درست شدند و همچنین آموزش اعضا شرکتها و گرفتن مجمع عمومی سالانه شرکتها. در کشور هشت هزار شرکت تعاونی روستایی تاسیس شده بود که در سال ۱۳۵۰ شرکت‌های کوچک در یکدیگر ادغام شدند. به عنوان مثال در ابتدا در بوشهر آبطویل، احمدی، دویره، تل اشکی و چاهکوتاه هر روستائی یک شرکت تاسیس شده بود. سال ۵۰ این شرکتها درهم ادغام شدند و یک شرکت بنام لنگر به مرکزیت چاه کوتاه ایجاد شد.

ما در بوشهر مدیری داشتیم بنام عبدالله اشتری که اصالتا بچه خشت کنار تخته بود و بعد رفتند کرمان لیسانس گرفتند و بعد از انقلاب هم شد مدیر استان و بعد بازنشسته شدند. مدیر بوشهری نداشتیم ولی محمد علی ایزدپناه پدر دکتر جعفر ایزدپناه رییس شهرستان بوشهر و بعدها مدیر اداره خدمات فنی سازمان شدند و سپس بازنشسته شدند و عمرشان زیاد باد.

روزی از روزهای سال ۱۳۶۵ سیل آمده بود و ما شرکت روستایی سنا شنبه داشتیم که در این روستا حدودا شصت خانوار بود و سیل خراب کرده و کل و لای آورده بود، بطوری که احشام به زیر گل و لای رفته بودند، بعضی از آن دام‌ها که نصف بدنشان بیرون بود هر چه زور می زدند فایده نداشت، لودری مامور کردم هفتاد گاو و الاغ و گوساله را از گل و لای کشید بیرون.

ندیمی بوشهری استاندار وقت، مبلغ سیصد هزارتومان تصویب کرد که به هر روستایی ۱۵ هزارتومان وام بدهیم. من و همکارم و حسن زیارتی مدیرعامل شرکت (بعدها در زلزله شنبه زیر آوار رفت و خدا رحمتش کند) در یک چادر مشغول پرداخت وام ها بودیم که هلی کوپتری نشست. بعد از ده دقیقه ای دیدیم هاشمی رفسنجانی به اتفاق مرحوم نبوی نماینده مجلس و استاندار وارد شدند. مرحوم هاشمی گفت شما از چه ارگانی هستید؟ شرح دادیم که از طرف سازمان تعاون روستایی داریم وام می دهیم، مبلغش را گفتیم. موقعی که خواست برود محافظش اسم ما را نوشت و بعدها یک ماشین رنو ۵ هم با گرفتن وجه به من جایزه دادند و به همکارم (که بعدها مرحوم شد) هم یک موتور پاداش دادند.

در سالهای هفتاد به بعد بنده خدایی رئیس دایره ای در سازمان جهاد کشاورزی بود و ایشان محرمانه از سازمان خواست که من را از مسئولیت برداشته و به سازمان استان بیاورند و بدون شغل موظف باشم.

من دیگر مستمع آزاد بودم تا اینکه مدیری از فارس به بوشهر منتقل شد و من را به عنوان مسئول صادرات انتخاب و مامور در گمرک بوشهر شدم. سال ۱۳۷۵ بودم که مجددا دوست عزیزمان محرمانه عذر بنده را خواست و ایشان خدا خیرش دهد کاری کرد که از سازمان اخراج شدم با بیست و دو سال خدمت صادقانه.

بعد از آن رفتیم در بازار و بخش خصوصی و از اینکه آدم فعالی بودم با برادران یک واحد بیست هکتاری زمین پرورش میگو به ما واگذار شد و بعدها دو واحد خریدم واکنون از موفقین صنعت پرورش میگو می باشم و با پرداخت بیمه تامین اجتماعی با بیست و پنج سال به عنوان مدیر شرکت بازنشسته شدم و دیگر کارهای بخش میگو را به پرورش و صادرات ارتقاء داده ام. عملا بازنشسته شده فقط در شرکتها مدیرعامل هستم، عضو هیئت مدیره و نایب رییس هیأت مدیره ازطرف بخش میگو در صندوق حمایت از بخش کشاورزی استان بوشهر و در خدمت دوستان عضو صندوق هستم.

مجوز استخدام، یک ماه مانده به پایان سربازی

پرویز تأمینی

یک ماه مانده به پایان سربازیم، مرحوم پدرم مجوز استخدام آزمایشی مرا از سازمان بنادر ایران به مدیرعاملی مرحوم پرویز صفاری و محمد امین مجد مدیرکل بندر بوشهر گرفته بود و بلافاصله بعد از سربازی در خرداد سال ۱۳۵۷ در بوشهر مشغول بکار شدم.



با مرحوم پدرم بهترین ،عزیزترین جامعترین راهنما همکار ، هم قطار و هم دوره ۵سال پایانی اداره ای بودند مرحوم پدرم فرمانده یدک کش برنا بودند

تمام مدت ۳۰ سال خدمت کاری در بندر بوشهر در واحد فنی به عنوان تکنیسین عمران نگهداری ساختمان با مدرک تحصیلی دیپلم ساختمان سپری کردم. البته در طول این مدت جابجایی و تبعید شدن به قسمتهای دیگر اداره و حتی مدت سه ما به استانداری قسمت فنی هم شامل من شد.

چند بار هم به عنوان نامزد کارمند نمونه معرفی می شدم که فقط یک بار در سازمان بنادر ایران از من تقدیر شد. در آن زمان مدیرکل بندر بوشهر عبدالکریم مالکی بود که خوزستانی بودند. همکاران خیلی مهربان و دوست داشتنی زیادی در کنار هم امور محوله را که عهده دار بودیم بویژه در زمان معاونت فنی جمشید عباسی راد بچه شیراز که از طرفداران پر و پاقرص فوتبال بودند، در اردوهای اداری زیادی در بنادر ایران با همکاران خوبی حضور داشتیم که جمعی از اعزامی مثل حسین فکی، عبدالله بنچاری، حسین قنبریان، نادر گلابیان، عباس احمدی و... بودند و مقامهای اول تا سومی همیشه در کارنامه هایمان بود.

تا این که در خرداد سال ۱۳۸۵ به بازنشستگی نائل گردیدم.



تیم فوتبال اداره بندر بوشهر در سال ۱۳۶۷
ایستاده از راست: حسین فکی (مربی)-عبدالله بنچاری-نادر گلابیان-رمضان فارسی مدان-بهروز درویشی-علی عاشوری- محمد علی اردشیرزاده.
نشسته از راست: ابراهیم گرگوری و رضا ابراهیمی (تقویتی از اداره راه وترابری) -حسین قنبریان-پرویز تامینی- غلام ایران

خاطرات جمشید خرمی نسخه پیچ قدیمی بوشهر به مناسبت روز داروساز:

۳۲ ساعت شیفت داروخانه طول می کشید و از شدت خستگی به گریه می افتادم



دکتر محمد جعفر ایزدپناه: از زمانی که در داروخانه ۲۲ بهمن طرح کاد را می گذراندم، چند داروخانه قدیمی نیز در شهر بوشهر فعالیت می کردند. اولین داروخانه سلامت به مدیریت آقای حیدریان و سپس داروخانه های صحت و امید به مدیریت برادران رجبی بود. آن موقع فارغ التحصیل داروساز کم داشتیم، تاسیس داروخانه توسط افراد علاقه مندی که به صورت تجربی نسخه پیچی یاد گرفته بودند انجام می شد. اولین داروخانه ای که در شهر بوشهر توسط موسسه داروساز تاسیس شد در سال ۱۳۵۲ توسط دکتر الماسی بود که بعداً به آقای دکتر ابوالفضلی و پس از آن به حاج حسین زارعی واگذار شد. در داروخانه ایران مدتی مسئول فنی بودم و با آقای جمشید خرمی آشنا شدم. می دیدم که مثل یک آچار فرانسه همه کارها را به تنهایی انجام می دهد، سفارش می داد، چک مینوشت، نسخه پیچی می کرد و چیدمان داروخانه را انجام میداد.

داروخانه هنوز زیاد نشده بود. اول صبح وقتی داروخانه باز میشد کلی بیمار نسخه به دست جلوی داروخانه نشسته بودند، نسخه هایشان را می گذاشتند و چند ساعت بعد برای گرفتن دارو یشان برمی‌گشتند. کارمندان داروخانه به اندازه بخشدار مورد توجه بودند، هرکس تلاش می کرد آشنایی در یک داروخانه داشته باشد. گاهی حتی استاندار با مسئول داروخانه تماس میگرفت. آقای خرمی با توجه به روابط عمومی خوبی که داشت توانست جایگاه خوبی در میان مراجعین پیدا کند. زمانی که از اهرم به بوشهر آمدم به ایشان درخواست همکاری دادم و ایشان دعوتم را قبول کردند.

از نقاط قوت آقای خرمی حافظه خوب است، مراجعی که سالها پیش برای یکبار دیده را سریع به خاطر می آورد. اکثر دوستانش از میان مشتریانش هستند و رابطه اش با آنها مثل خانوادهاش است. زمانی که یکی از مشتریان قدیمی فوت می کند انگار یکی از خویشاوندانش را از دست داده باشد. به مناسبت سالها تلاش در داروخانه تصمیم گرفتم با ایشان گپ و گفتی داشته باشم چکیده صحبتمان را نوشته ام:

اینجانب جمشید خرمی متولد سال ۱۳۴۱ از شهر خشت می باشم در سال ۱۳۵۵ نوجوانی ۱۴ ساله بودم که به عنوان سرپرست خانواده برای اشتغال به کار، به شهر بوشهر آمدم. آن موقع محل اقامتم خانه خواهرم واقع در خیابان باغ زهرا بود. مدتی در باشگاه همافران متل سیکس واقع در پایگاه هوایی مشغول به کار شدم. پس از یکسال قراردادم تمام شد و برای اشتغال به اداره کار واقع در خیابان فرودگاه کوچه حاج نجف مراجعه کردم. به عنوان کارگر ساده به داروخانه ایران معرفی شدم، زیر نظر دکتر ابوالفضلی آموزش های اولیه را دیدم و به مدیریت داروخانه مسلط شدم. مدت ۳۱ سال مدیریت داروخانه ایران را برعهده داشتم. اولین شرکت های دارویی که در بوشهر آغاز به کار کردند شرکت داروپخش توسط آقای آتشکده و شرکت البرز بود که انبار دارویی داشتند و انبار شان در محل عباسعلی فعلی بود. اولین حقوق که گرفتم به مبلغ ۲۵۰ تومان بود.

هنوز داروخانه شبانه روزی وجود نداشت و هر هفته دو شب کشیک داشتیم. یک شیفت در هفته ۳۲ ساعت طول می کشید و بطور مداوم کار میکردم، به حدی که گاهی اوقات از شدت خستگی به گریه می افتادم.

پزشکان قدیم بوشهر مثل دکتر طبیب، دکتر حق شناس، دکتر نائمی، دکتر شاپور فقیه با داروخانه ایران همکاری داشتند. دکتر نائمی با وجود سواد بالا ولی بد خط بود و خواندن نسخه هایش مشکل، ولی دکتر حق شناس نسخه هایش را همیشه با خط خوش می نوشت.

یادم می‌آید زمان جنگ بود و کمبود شدید دارویی داشتیم، حتی سرنگ هم سهمیه بندی بود. گاهی از هر قلم فقط یک عدد در داروخانه موجود داشتیم، بیمار نسخه می آورد ولی موجود نداشتیم. می پرسید چه شکلی است یک عدد را از قفس بر می داشتم و به بیمار نشان میدادم، میگفتم این شکلیه بگرد شاید پیدا کنی.

در آخر جا دارد تشکر ویژه از بزرگوارانی چون حاج حسین زارعی و جناب دکتر ابوالفضلی داشته باشم و یادی کنم از دکتر جعفری ریاست امور دارویی که در آن زمان زحمات زیادی برای حل کمبود دارو در استان بوشهر می کشیدند.

بروس دندون

حسین شادکامی



سال چهارم دبستان که بودم(سالهای ۵۰_۵۱) مدرسه فردوسی که مدرسه ای بود قدیمی در جبری به مدرسه تازه تاسیس و نو بنام کورش کبیر واقع در میدان اکبار خیابان دهقان روبروی مسجد عطاریان (جامع عطار) منتقل کردند. از این که مدرسه نو و تازه و به روز بود و حیاط درندشتی داشت، خوشحال بودیم.

در یکی از روزهای پاییزی همه دانش آموزان را به صف کردند و نفری یک بروس دندون (مسواک) یک بسته خمیر دندون به هر کداممان دادند و بعد ناظم مدرسه سر صف آمد و زدن مسواک را به ما تعلیم داد و گفت بچه ها شما هم تکرار کنید.

این اولین قدم اداره بهداشت و آموزش و پرورش برای بهداشت عمومی دهان و دندان بود. زمانی نگذشت که دهان و چک چیل بچه ها همه خونی شد و همه به طرف اوشی (دستشویی) رفتند و دهنشان زیر شیر آب می گرفتند. مو که می خواستوم دندونام سفید بشه بیشتر از همه دهانم خین می اومد. چنان جوی خینی راه افتاد انگار گرو خونابه ی قصاب خونه وقتی که کشتار می کنند. خونه که رفتیم به دیم (ماد) بروس دندون نشون دادم و ماجرا سیش تعریف کردوم دیم وقتی سی تو چیلم کرد دید تا دور دندونام قاچ قاچ شده برس از دستم گرفت و شکوند. ولی فردا باید ببرمش مدرسه چه کار کونم.

فردا صبح که شد، مسواک کاکای بزرگم دزدکی برداشتم و رفتم مدرسه. در زنگ سوم که تغذیه کنسرو لوبیا که تو قوطی های پنج کیلویی سرشان باز می کردند و در دیگ بزرگی روی اجاق می گذاشتند تا گرم شود و تو لیوان پلاستیکی به بچه ها می دادند که یک کلاس بالاتر از عدس خرما و حبوبات نپخته بید. بعد از خوردن ناظم به ما گفت: بروید دندوناتون مسواک کنید. سر دستشویی که رفتیم بعضی از بچه ها بدون بروس مقداری خمیر دندون رو دندوناشون با پنجه می کشیدند.

یکی از بچه ها گفت که من دیروز تا الان نصف خمیر دندونا خوردم مزه چاکلیت تیزو می ده.

وقتی که خوم برس کاکام را با کمی خمیر دندون روش گذاشتم یواش یواش کشیدم. دلوم خش بید که مثل دیروز دیگه خین نمیاد. البته بعداً خوم فهمیدوم که بروس های سفت به ما داده بودند و بروس کاکام نرم بود که هر چی می کشیدم رو دندونام دیگه دور دندونامون خین نمی یومد.

ظهر که آمدم خونه، کاکام گفت: تو مسواک مو برداشتی گفتوم هاا. دیم دیروز بروسی که مدرسه دادند شکوند. گفت: سی چه؟ گفتم او بروس دیروز چک چیلم خین چالو کرد تموم بچه ها همی طوری بیدند و امرو باید بروس می بردم و بروس تو برداشتوم.

کاکام گفت :ای مسواکو چطوره؟ گفتم خیلی خوبه نرمه گفت: خو بردار برای خودت و دیگه از بروس کسی استفاده نکن حتی مال کاکات.

از فرداش جلو بچه ها فیس می دادم که مو هم مسواک نرم دارم و بهتر از بروس آنهاست.

معرفی ۱۱ دستگاه اجرایی برتر استان بوشهر

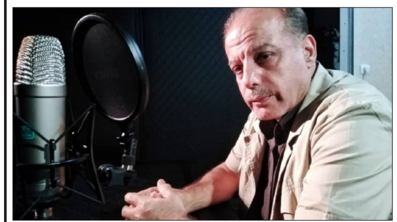
ایسنا/بوشهر: بیست و سومین جشنواره شهید رجایی استان بوشهر در چهارمین روز از هفته دولت با معرفی ۱۱ دستگاه اجرایی برتر برگزار شد.

۱۱ دستگاه‌های اجرایی برتر استان بوشهر در محورهای مختلف معرفی و تقدیر شدند؛ اداره کل‌های امور مالیاتی و اقتصاد و دارایی در ۲ بعد شاخص‌های عمومی و اختصاصی، اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای در بخش اموزشی، پژوهشی و فرهنگی، اداره کل دامپزشکی در گروه تولیدی و خدماتی، شرکت گاز استان و اداره کل بنادر و دریانوردی در گروه زیربنایی و توسعه زیرساخت، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گروه سلامت و رفاه اجتماعی معرفی شدند.

همچنین اداره کل ثبت احوال در گروه عمومی و قضایی، شرکت آب منطقه‌ای و اداره کل کمیته امداد امام خمینی (ره) در اجرای مصوبه‌های سفر استانی رئیس جمهور، شرکت آب و فاضلاب و توزیع نیروی برق در محور جذب منابع ملی و استفاده از ظرفیت‌های قانون بودجه، نظارت گمرکات استان بوشهر در زمینه بهبود محیط کسب و کار، اداره کل بیمه سلامت در محور ارائه خدمات برجسته در حوزه صدور حداکثری نسخه‌های الکترونیکی و اداره کل ثبت اسناد و املاک در محور ارائه خدمات برجسته با رویکرد دولت الکترونیک و اصلاح فرایندها به عنوان دستگاه‌های برتر استان بوشهر معرفی شدند.

استارت برنامه شونشینی در بوشهر

اسماعیل شاهپیری



در اوایل سال ۱۳۶۲ در صدا و سیمای مرکز بوشهر مشغول به کار شدم. در آغاز در تولید رادیو فعالیت داشتم و بعد از مدتی به دلایلی برای حدود پنج سال به عنوان مدیر ترابری در مرکز بوشهر مشغول به کار شدم. همزمان در همان سالها اولین فیلم مستند محرم در بوشهر را که به مراسم عزاداری مردم بوشهر اختصاص داشت، تهیه کردم و بعد از آن، مجدداً به تولید رادیو برای برنامه سازی آمدم و بعد از مدتی به عنوان مدیر رادیو بوشهر مشغول به فعالیت شدم. طی این سالها در رادیو در جشنواره های متعدد صدا و سیما افتخارات زیادی را در جهت برنامه سازی به دست آوردم. همزمان حدود ۱۱ سال به عنوان مدیر حوزه هنری بوشهر مشغول به کار بودم که با برگزاری جشنواره های متعدد، بخصوص جشنواره های تئاتری بارها مقام اول در کشور را به دست آوردیم و به عنوان مدیر برگزیده تئاتر کشور انتخاب شدم.

همکاران من که افتخار همکاری با آنها را داشتم بسیار بودند از جمله کبابی زاده به عنوان معاون صدا و لاوری به عنوان مدیر کل صدا و سیما و هنرمندان خوبی همچون شاهین بهرام نژاد و شاهرخ سروری که من در صدا و سیما با آنها همکاری داشتم و در حوزه هنری ضمن همکاری با اکثر هنرمندان استان، با رضا زیتونی، غلام احمدی، عباس زارعی، خانم صفری و اساتید بزرگی همچون حسین دهقانی و احمد آرام و فرید میرشکار همکاری نزدیک داشتم.

خاطرات تلخ و شیرین بسیاری را در این مدت هم در صدا و سیما و همین طور حوزه هنری تجربه کرده‌ام. در صدا و سیما این که به عنوان مدیر رادیو برنامه های بسیار تخصصی و بومی، از جمله گنجینه خلیج فارس، مشاهیر استان، نغمه جنوب، موسیقی بوشهر، برنامه صبحگاهی، پسین بندر، برای فردا و تعداد دیگری از برنامه ها را من تهیه می کردم و اجرا می کردم و گزارش می گرفتم و در تلویزیون هم هم زمان با شروع شبکه استانی آغازگر برنامه شبانه شونشینی با عنوان شبهای بندر بودم که در ادامه برنامه شبهای بندر نام برنامه به شونشینی تغییر کرد که مدتها تهیه کننده اش بودم و همین طور اولین برنامه ماه محرم با عنوان مرواتون همه سال.

در امر برنامه سازی در این مدت نیز با افراد بسیاری کار کردم که جا دارد یاد مرحوم جواد تلیان را گرامی بداریم و تعداد بسیاری از هنرمندان دیگر که همه با افتخار در کنار شان برنامه سازی داشتم.

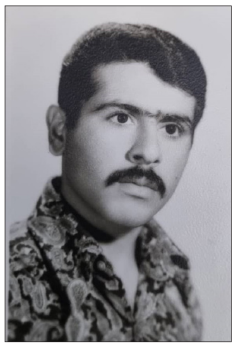
همچنین ساخت دو برنامه مستند در دو مکان دینی، یکی برنامه ۱۰ قسمتی از بوشهر تا شهر واقعه در کشور عراق و کربلا و شهر نجف و فیلم مستند ۱۳ قسمتی با عنوان مسافران آفتاب در مکه مکرمه و مدینه معظمه که این ها از اولین های مستند مذهبی صدا و سیمای مرکز بوشهر بودند که به نوعی بنده افتخار تهیه و کارگردانی آن ها را داشتم.

همچنین خاطره شیرین راه اندازی و تعمیرات اساسی سینما بهمن با ساخت سه سالن سینما و افتتاح آن بعد از پنج سال تعطیلی سینما از ماندگارترین خاطرات شیرین بنده در زمان مسئولیت حوزه هنری بوشهر است.

و در نهایت هم در سال ۸۶ با افتخار بازنشستگی در صدا و سیما نایل شدم.

دردسر استخدام کارمندی من

غلامرضا قادریان

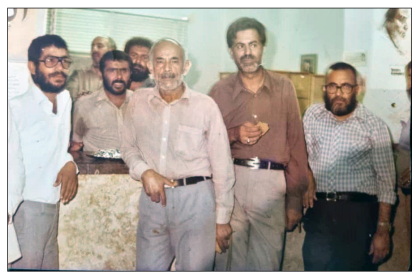


اولین روز استخدام پس از دادن آزمون و مصاحبه در تامین اجتماعی بوشهر دعوت به کار شدم. روزی که خود را معرفی کردم، رئیس وقت پس ازصحبت های لازم و شرط و شروط کار گفت فردا کراوات زده می آیید و در حسابداری مشغول بکار می شوید. تا اسم کراوات آورد مثل اینکه ما را برق گرفت (البته اینو بگویم که من اعتقادی به کروات نداشتم نه این که کراوات بد باشد یا خدایای ناکرده کسانی که کراوات می زنند مشکلی داشته باشند، بنده به زدن کراوات اعتقادی نداشتم) شروع کردم در مورد این که انسانیت به لباس نیست، صحبت کردن و حتی یادم است شعر شیخ اجل سعدی شیرازی را برایش قرائت کردم (تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت).

ما هم آمدیم بوشهر و خود را به اداره معرفی کردیم و ایشان هم بدون هیچ سئوالی، می خواست من را به عطاریان (خدابیامرز) معرفی کند ولی چون آن روز ایشان در مرخصی بود خانم ماهرخ علیزاده را که جانشین او بود به اتاق دعوت کرد و مرا معرفی کرد و بالاخره در سال ۱۳۵۴ ما شدیم کارمند تامین اجتماعی بوشهر بدون زدن کراوات. محل کاربنده از همان اول استخدام تا زمان بازنشستگی در شهر بوشهر بود و مدت بیش از یک سال به صورت آزمایشی مشغول بکار بودم و حدودا ۵۰ روز بدون حقوق کار کردم و در طول خدمت در سمت های مختلف انجام وظیفه کردم.

رئیس وقت آن زمان ما جناب روحانی (اهل درگز مشهد بود) بودند، خداوند او را بیامرزد. رئیس واحد





عکس های سال ۶۱ که من جانباز شدم و شعبه تامین اجتماعی بنام من شد (روز نامگذاری شعبه استاندار، امام جمعه ،مرحوم سیمرونی، مرحوم محسن کلگانیان، حاج رسول میگلی، مرحوم محمد حسین بوستانی(پدرخانمم)رئیس تامین اجتماعی چوبک مرحوم گندمکار، جهانبخش معاون استاندار، همکار علی ماهینی، همکارحبیب قمری و.... حضور دارند) تا سال ۶۲ که حاج قاسم هندی زاده شهید شد و با پیشنهاد و درخواست های مکرر خودم ، بعد از یکسال شعبه بنام شهید هندیزاده نامگذاری شد

ولی ایشان حرفهای خودش را می زد که مرا قانع کند که وقتی من قانع نشدیم، اعصابش بهم خورد (حالا می دانم که حق با او بوده و کسی که هنوز شروع بکار نکرده با رئیس بحث می کند!!!، فردا چه می شود! سلیمی رئیس ساواک وقت آن زمان بوشهر پسر دائیش بود).

به دلیل این که آن زمان ما در حد خود، فعالیت انقلابی داشتیم، هر جا امتحان می دادیم و قبول می شدم، اما به دلیل بیهوده در مصاحبه مردود می شدیم. (اداراتی که کتبا امتحان دادم و قبول شدم اما در مصاحبه مردود شدم: ۱-هواپیمایی کشور،۲-اداره راه، ۳-اداره دارائی، ۴-اداره بهداری، ۵-اداره گمرک، ۶-اداره دامپزشکی و...)

خلاصه کنم من یه لحظه فکر کردم من این همه اداره قبول شده ام و در مصاحبه مردود شده، چکاریه که بخاطر کراوات الان نیام مشغول بکار شوم؟ یک هفته کراوات می زنم بعدش نمی زنم (این فقط به مغزم خطورکرد) ولی رئیس بلافاصله دست من را خواند و گفت فکر نکنی یک هفته کراوات می زنی بعدش نمی زنی که گوشت می گیرم پرتت می کنم از اداره بیرون!

ولی ما آخرش کراوات نزدیم و یک سال اخراج شدیم تا مجددا امتحان دادیم و باز قبول شدیم، زمانی که رفتم شیراز مصاحبه، دکترسعیدی مدیر منطقه فارس بود، وقتی در اتاقش من را برای مصاحبه دعوت کرد شناخت و گفت پسر شما مگر پارسال قبول نشدید؟ نامه معرفی به کارت خودم نوشتم. گفتم بله قبول شدم.

گفت پس چرا شروع بکار نکردید؟

ماجرا را بهش گفتم. جلوی خودم تلفن را برداشت و زنگ زده به روحانی (خدابیامرز) و گفت شما چکار دارید که کارمند کراوات بزند یا کاپشن بپوشد؟ این پسر آمد بوشهر، شما اجازه هیچ مصاحبه با او ندارید و باید مستقیماً در واحد مربوطه مشغول بکار شود.

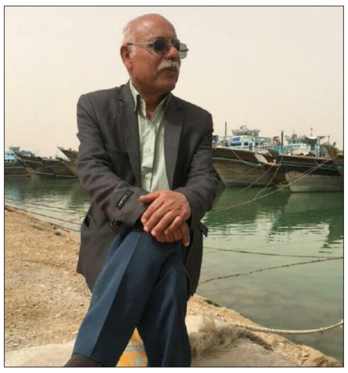
فنی که بنده در آن واحد خدمت می کردم جناب ابراهیم عطاریان (اهل بوشهر محله جبری) بودند، روحش شاد باشد (واحد فنی آن زمان شامل واحد حسابهای انفرادی، واحد مستمریها و واحد بیمه شدگان می شد.)

همکاران بنده عبارت بودند از: شهیدحاج قاسم هندیزاده اهل بوشهرساکن محله عسلو(عسلی)، - حاج عبدالحسین مرزوقی اهل بوشهرمحله صلح آباد، -مرحوم حاج حیدراحمدی پور اهل بوشهر ساکن لیل بحرینی، -حاج محمد مهدی حاجی پور اهل بوشهر ساکن دواس، -حاج نادر اقدام اهل بوشهر ساکن محله کوتی، -حاج رحیم زارعی اهل بوشهر ساکن دواس، -حاج محسن کبگانیان اهل بوشهرساکن صلح آباد، - مرحوم حمید خوبانی اهل بوشهرساکن دواس، - حبیب قمری اهل بوشهر ساکن هلالی، -خانم مینا اقدام اهل بوشهرساکن محله بهبهانی، - خانم علیزاده اهل بندرانزلی ساکن نیروی هوایی، -مرحوم عبدالله قربانی اهل بوشهرساکن محله تنگگ، حاج اسماعیل قائدی اهل بوشهر ساکن محله تنگگ، - داودربیعی اهل بوشهرساکن محله کوتی، مرحوم غلامرضا موصلی اهل بوشهرساکن سنگی، مرحوم اسماعیل بیات پور اهل بوشهرساکن دواس، سیدعبدالحسن موسوی اهل دشتستان، - حاج بهرام دهدار اهل بوشهرساکن محله باغ زهرا، - عباس جمیری اهل بوشهر ساکن محله مخ بلند، - مصطفی باغی اهل بوشهر ساکن محله رونی، - علیزاده غیربومی، - قاسمی غیر بومی، -مرحومه دروتی سیار اهل بوشهر ساکن محله سنگی، -مرحوم غلامحسین گشمردی اهل بوشهر محله تل کوتی، - احمد گشمردی اهل بوشهرساکن محله تل کوتی، -مرحومه نرگس گشمردی اهل بوشهرساکن محله تل کوتی - عبدالرسول(علی) ماهینی ومرحوم گندمکار و...

آخرین پست اداری من معاونت بیمه اداره کل بود و در سال۱۳۸۳ به لطف خدا بازنشسته شدم.

نقاشی علامت کالاها بجای نوشتن آن به زبان انگلیسی

مرتضی زندپور



در بیست و ششم شهریور ماه سال پنجاه و سه در اداره بندر و کشتیرانی خرمشهر استخدام شدم، در آزمون ورودی استخدام ما به عنوان انباردار بود ولی اولین پستی که به من دادند بارشمار بود.

عنوان پست هایی که قبل از جنگ در خرمشهر داشتم بارشماری و ممیزی و صافی بود.

در خرمشهر که یکی از بنادر مهم تجاری از لحاظ ورود و نگهداری کالا بود، به علت وسعت زیاد، انبارها در قسمت های مختلفی قرار داشت که هر انبار کالای مخصوصی را نگهداری می کرد ولی انبارهای عمومی در آن جا انواع کالاها در آن تخلیه و نگهداری می شد که من نیز کارمند یکی از این انبارها بودم.

انباردار ما: حمدالله اسدالهی- معاون انبار، مرتضی کمری-بارشمارها، مصطفی جایلقی، پاشا کاوسی، محمد لک ...همکاران من بودند. سرهنگ میرداماذی هم مدیر بندر بود. بعد از استخدام مجبور بودم زیر دست کسانی آموزش عملی ببینم که نوشتن علامت کالاها را با زبان انگلیسی نمی دانستند، فقط علایم را نقاشی می کردند و من می دانستم برای ثبت تعداد تخلیه شده توسط بارشمار و تعیین مغایرت که همان تعیین کسری و اضافی آن ها توسط منافیست چکر (ممیز و صافی) بود، بایستی علامت کالاها درست نوشته می شد.

زمانی هم که بعد از جنگ در اداره بندر بوشهر به کار مشغول گردیدم، پست های من به ترتیب: معاون انبار، کارشناس حسابداری، کارشناس امور مالی (بودجه و اعتبارات) که وظیفه ام پیگیری و تخصیص و تامین اعتبارات جاری و اندوخته بندر، تامین اعتبار قراردادها و درخواست خریدها-پیگیری و کنترل ریالی انبارها با سیستم مکانیزه حسابداری انبار و رفع مغایرت مربوطه ، که سیستم مذکور با پیگیری خودم تعیین و نوشته شده بود- ثبت و نگهداری اسناد هزینه در سیستم اعتبارات- تهیه و ارسال گزارشات مورد نیاز سازمان و اداره بندر بوشهر بوده است.

تاریخ باز نشستگی من نیز بیست و پنجم دی ماه هشتاد و یک بود ولی به علت نیاز اداره به وجود من به طور موقت حدود یک سال بعد از این تاریخ در اداره بندر بوشهر شاغل بودم.

دوران بازنشستگی برای بسیاری از بازنشستگان به سختی می گذرد به خصوص در شرایط فعلی و با توجه به نرخ تورم موجود هر سال حقوق بازنشستگان را چند در صدی افزایش می دهند ولی تمام اجناس و کالا ها چندین برابر افزایش می یابند به خصوص اجناسی که روزمره مورد نیاز خانواده است. امیدوارم هر چه زودتر وضعیت بازنشستگان بهبود یابد.

چگونه موفق به بیمه کردن ملوانان و جاشوها در زمان کارمندی شدم

نادر اقدام



من متولد اسفند ۲۸ در محله ی کوتی بوشهر هستم. متاهل و دارای چهار فرزند (دو دختر و دو پسر) و سه نوه می باشم.

در اواخر اسفند ۱۳۵۱ به استخدام سازمان تامین اجتماعی که آن موقع با نام سازمان بیمه‌های اجتماعی خوانده می‌شد، در آمدم. در بدو استخدام به عنوان کارپرداز و شاغل در امور اداری، سپس به ترتیب در حسابداری، مسئول امور بازرسی کارگاه ها، کارمند بخش درآمد، رئیس و کارشناس ارشد درآمد، بازرس دفاتر قانونی، مسئول بازرس کارگاه ها، رئیس و کارشناس ارشد امور اجرائیات اداره کل استان بوشهر مشغول به کار بودم و در طول خدمت مدرس امور تامین اجتماعی استان بوشهر و همچنین مسئولیت ورزش استان را نیز به عهده داشتم.

در سال ۱۳۵۲ محل اداره در خیابان شهدای کنونی بوشهر، روبروی بانک سپه بود و در ساختمانی بسیار متروکه و نمور که درخور سازمان تامین اجتماعی نبود به صورت استیجاری ساکن بودیم. سپس با خرید زمین از شهرداری و ساخت آن در سال ۱۳۵۴ به شعبه یک در چهارراه دادگستری منتقل شدیم.

در بدو استخدام رئیس ما، احمد قادسی مدیری توانا و علاقه مند به امور ورزش بود و اولین مدیری در تامین اجتماعی ایران بود که سبب شد با همکاری اداره کار در دوران ریاست اکابریان کارمندان تامین اجتماعی هم بتوانند در مسابقات کارگری ایران شرکت کنند.

همکاران ما در آن سال ها: ابراهیم عطاریان، غلامحسین گشمردی، احمد گشمردی، نرگس گشمردی، محسن کبگانیان، حمیدرضا خوبانی، ابراهیم زاده، باغکی، احمدی پور، رحیم زارعی ، عباس جمهیری و قاسمی بودند. سپس روحانی رئیس اداره شدند و پس از انقلاب آ جمشید چوبک، مهدی عباسی، شریف حسینی، اسماعیل یوسف نژاد و شریف مقدم مدیرکل استان بودند.

از سال ۱۳۵۴ به بعد به کادر سازمان افرادی مانند حاج رضا قادریان، عبدالحسین مرزوقی، حاج مهدی حاجی پور، حاج قاسم هندی زاده، حاج بهرام دهدار، مینا اقدام، دکتر محمد مهدی کمالی، دکتر صفوی و عمویی اضافه شدند. در سالهای پس از آن عباس متقی، اردشیر ترکزاده، علی ماهینی، بهمن جوکار، اسماعیل بیات، حبیب قمری، فتوت، محمدپور، رمضان راستی، محمود خواجه، غلامحسین بحرینی، اسماعیلی، احمد آقایانی، عبدالخالق برزگر زاده، اصغر سیف و.... نیز به جمع همکاران ما پیوستند.

با توجه به حضور محمدعلی روحانی که مدیری با تجربه و دانا بود و می دانست که من همزمان در تیم ایرانجوان فوتبال بازی می کنم و بین کسبه و مردم فردی شناخته شده هستم، مرا به عنوان رابطی قوی بین مردم و اداره به پست بازرسی گمارد. با توجه به علاقه مندی من در این پست و عدم آشنایی عامه مردم به مسائل بیمه و امور اجتماعی، وقت زیادی را صرف مطالعه بخشنامه ها، دستورالعمل ها و انتقال مفاهیم بیمه‌ای، قوانین تامین اجتماعی و اداره کار و قوانین تجارت نمودم. همزمان تعداد زیادی از مردم را اعم از کارگران و کارفرمایان که اطلاع و تمایلی به بیمه شدن نداشتند و حتی از این موضوع فراری بودند، را ترغیب به بیمه شدن و پرداخت منظم حق بیمه نمودم که سبب شد هزاران نفر در سطح استان بوشهر در ردیف بیمه شدگان و مشمولان تامین اجتماعی قرار گیرند. حتی در شهرهایی که شعبه تامین اجتماعی نبود مانند دیلم، گناوه، شیف، خورموج، اهرم، دلوار، دیر، کنگان، نخل تقی و عسلویه، جم و روستاهای استان کلیه بازرسی‌ها را با ماشین های مرسوم آن زمان مانند لندرور و جیپ بدون دستگاه های سرمایشی و گرمایشی به تنهایی انجام می دادم. نمونه‌ای از این فعالیت ها بیمه کردن ملوانان و جاشو ها است که از سال ۵۴ شروع و تا سال ۵۹ ادامه داشت که با مکاتبات متعدد با مرکز و معرفی شغل هایی مانند ناخدا، جاشو، سکانی، و معرفی گلاته به عنوان دستمزد که در طبقه بندی مشاغل ایران تا آن زمان جایی نداشتند به ثبت رساندم. خانواده‌های آنان تا آن زمان از هیچ حمایتی برخوردار نبودند.



کارمندان واحد درآمد شعبه یک تامین اجتماعی بوشهر، سال ۱۳۶۵
از راست: حاجی پور، اقدام، قمری، محمدپور، دهدار

چندین سال طول کشید تا توانستم موافقت تهران را برای بیمه شدن کلیه شغل های دریایی و لنج های تشاله و لنج های صیادی و باری در کل استان گرفته و همه را بیمه نمودم. این شغل ها و دستمزدها و ساعات کار آنها برای مرکزنشینان جدید بود. زیرا این کارگاه های شناور، کارگاه های معمولی با ساعات کار مشخص نبودند. و در صورت بروز حادثه در هنگامی که این کارگاه‌های شناور در خارج از آب های ایران بودند، بازرسی و گزارش حوادث مشکل بود. این دینی بود که به گردن داشته و توانستم پایه گذار این مهم باشم زیرا خود فرزند دریا و پدرم دریانورد بود. البته در سالی که سازمان تامین اجتماعی برای این کار بزرگ در تهران از طریق صدا و سیما تبلیغات وسیعی به راه انداخت همه زحماتم را به نام خود مصادره کرده و حتی از یک تشکر و دعوت در مراسم از من دریغ نمودند. پس از آن تمام صیادان استان های جنوب کشور زیر چتر حمایتی سازمان تامین اجتماعی قرار گرفتند.

کار در تامین اجتماعی در تمام قسمت ها جزو کارهای سخت و زیان آور بود و به همین منظور قبل از انقلاب کلیه کارمندان تامین اجتماعی و افراد شاغل در قسمت های مختلف سازمان با ۲۰ سال کار و ۱۰ سال ارفاق و منظور نمودن ۳۰ سال خدمت از حقوق کامل با حداکثر حقوق و مزایا برخوردار و بازنشسته می‌شدند که بعد از انقلاب دولت های وقت و مجلس بدون در نظر گرفتن این موضوع کارمندان تامین اجتماعی را از این سالهای ارفاقی محروم و با ۳۰ سال کار پرتنش بازنشسته کردند.

در طی خدمت به عنوان مسئول ورزش استان بوشهر، مقام های ورزشی مختلفی را در سطح کشور برای سازمان کسب کردم. ضمناً به عنوان مشاور صدا و سیما در برنامه های رادیویی به سوالات مردمی پاسخ می‌دادم. همچنین برای تبیین اهداف سازمان تامین اجتماعی، مقالات بسیاری را در نشریات استان به چاپ رساندم که مورد توجه اقشار مختلف مردم قرار گرفته است.

در اسفند ۸۰ به افتخار بازنشستگی نایل شدم و پس از بازنشستگی، سه بار بازنشسته نمونه استانی و کشوری بوده‌ام.

نکته آخر: هنگام استخدام کلیه کارمندان موظفند برگه صحت مزاج ارائه نمایند اما در طول ۳۰ سال خدمت پر تنش هیچ گاه آزمایشات پزشکی منظمی برای سلامتی کارمندان صورت نمی گرفت و این باعث می‌شد که در سالهای انتهای خدمت و پس از بازنشستگی کارمندان با انواع بیماری ها دست و پنجه نرم کنند.

در زمان اشتغال به کار تاکنون که بیش از ۲۰ سال از بازنشستگی ام میگذرد، بیش از ۱۰۰ نفر را برای بازنشستگی هدایت و راهنمایی کرده ام که اسامی آنها موجود می باشد. از جمله عبدالرحیم جعفری نویسنده شهیر بوشهری، مرحوم محمدعلی برزین، ابوالقاسم خباز ثابت و ده‌ها نفر دیگر.

در طول خدمت خود دو نرخ وصول حق بیمه را در ایران تغییر داده ام: یکی نرخ وصول حق بیمه قراردادهای تخلیه و بارگیری کشتی ها در اسکله که اکثراً با نرخ۱۶.۶۷ درصد بود. که با مکاتبات زیاد، سازمان مرکزی را متقاعد کردم که وصول حق بیمه را به حدود نصف (۷.۷۸ درصد) تقلیل دهد. دیگر مورد وصول حق بیمه صنف ساندویچی بود که مشمول کمک های دولت نبودند که با راهنمایی نمودن رئیس وقت صنف (جفره ای) و اعتراض به نرخ موجود و همچنین مکاتبه های زیاد، نرخ حق بیمه آنها را تقلیل داده و مشمول کمک دولت شدند.

از آن جایی که اداره کل و شعب تامین اجتماعی استان بوشهر سالهاست مقام ممتاز وصولی حق بیمه و جرایم دیرکرد را نسبت به جمعیت در ایران دارا هستند و دغدغه و نگرانی مدیرکل استان و مدیریت درمان برای بهبود وضعیت درمانی و ارائه خدمات مناسب درخور بیمه شدگان و خانواده‌های آنان کاملا مشهود است، جا دارد مرکز نشینان نگاه مثبت و بهتری با تخصیص بودجه کافی و درخور و شایسته برای ایجاد بیمارستان و درمانگاه های مجهز همراه با کادر کافی در سراسر استان بوشهر داشته تا بیمه شدگان و خانواده‌های آنان برای ساده‌ترین خدمات و اعمال جراحی مختلف از مراجعه به استان‌های دیگر بی نیاز شوند.

دو اتفاق بزرگ دوره کارمندی در بوشهر

سیروس خباز ثابت



من متولد ۱۳۳۰ بوشهر هستم، در خرداد ۱۳۵۰ از دبیرستان سعادت دیپلم ریاضی گرفتم و بعد از دو سال خدمت سربازی سپاه دانش، در آبان ماه سال ۱۳۵۲به استخدام اداره کل مخابرات درآمدم.

آن زمان تلفن‌های شهرستان بوشهر هندلی بود که ساختمان نوسازی جهت تلفن خودکار در کنار پمپ بنزین شهر ساخته شده بود.

گروهی از آلمان و تهران جهت نصب و راه اندازی تلفن خودکار آمده بودند که من هم به خاطر داشتن دیپلم ریاضی جهت کارآموزی و بهره‌برداری با این گروه همکار شدم.

در بهمن ماه سال ۱۳۵۲ مرکز تلفن خودکار بوشهر افتتاح گردید و با ۲۰۰۰ شماره شروع بکار کرد و سه ماه بعد هم اس تی دی تلفن راه دور افتتاح گردید که مردم می توانستند از طریق گرفتن صفر به استان های دیگر تماس بگیرند.

این خاطره بسیار مهمی است که در زمان استخدام من در مخابرات بوشهر می باشد که تلفن‌های بوشهر از هندلی به خودکار تبدیل گردیدند.

مدیر کل مخابرات آن زمان آقای محلاتی بود.

در آبان ماه سال ۱۳۵۳پس از امتحان ورودی و مصاحبه به استخدام اداره کل بنادر و کشتیرانی که الآن شده اداره کل بنادر و دریانوردی به عنوان مسئول تعمیرات و رییس تلفن خانه اداره درآمدم.

اداره بندر با اسکله تازه تاسیس به پرسنل بیشتری نیاز داشت که ما هم استخدام شدیم.

مدیر کل اداره محمودزاده بود که بسیار کار بلد و تمام مراحل پیشرفت را مرحله به مرحله طی کرده بود، از راهنمای کشتی پیلوت تا رییس اداره دریایی و معاون عملیات و مدیر کل.

اداره بندر با دو اسکله ای که شرکت ژاپنی‌ها ساخته بودند، شروع به پهلوگیری کشتی های ۱۰هزارتنی کرد، که برای اولین بار بود که کشتی با این تناژ در اسکله بوشهر پهلو می گرفت.

همکاران اداری ما یکی مرحوم استاد حسن آرش نیا بود که از دوران دبیرستان دوست بودیم، مرحوم ماشاالله حسین نژاد بود که یادشان مانا، آقایان تلیان و بنچاری و محمد عبادی و خیلی از دوستان دیگر.

یکی دیگر از خاطرات دوران خدمت، پهلوگیری کشتی رافائل در اسکله شمالی بود.

در دوران خدمت در دو اداره، دو تحول بزرگ در بوشهر رخ داد یکی تبدیل شدن تلفن‌های بوشهر از هندلی به خودکار، دوم پهلوگیری کشتی های بزرگ ۱۰ هزار تنی در اسکله بوشهر.

خاطرات دیگرم بر میگردد به اسفند ماه سال ۱۳۶۵که به صورت داوطلب از طریق پایگاه مقاومت اداره بندر بوشهر، با تعدادی از همکاران اداریم، عازم جبهه های دفاع مقدس شدم. در جبهه نیز به تعمیرات وسایل مخابراتی از جمله تلفن های هندلی خط مقدم، که تعمیرکاری برای آن ها وجود نداشت می پرداختم. در واقع این ارث پدری ام بود که من از آن بهره مند شده بودم. پدرِ من کارمند مخابرات بود که در سال ۱۳۴۶ بازنشسته شده بود و در آن دوران تلفن های هندلی تعمیر میکرد، من هم در دوران نوجوانی تعمیرات از ایشان آموخته بودم. در سال ۱۳۸۱ پس از انتقال تجاربم به جوان ترها، با تمام خاطرات و نوستالژی های دوران جوانی ام خداحافظی کردم و پس از سی سال خدمت، بازنشسته شدم. البته هیچگاه خاطرات زیبا و بیاد ماندنی آن زمان از یادم نمی‌رود، آرزوی موفقیت برای جوانان دارم.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

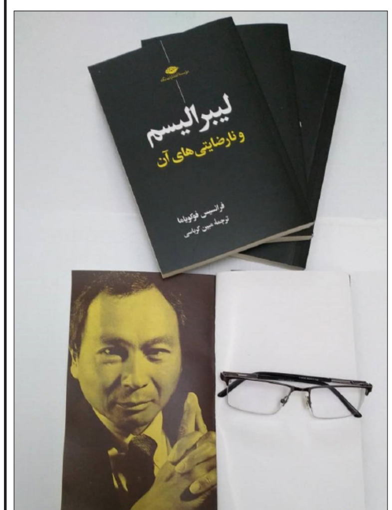
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



تازه های کتاب
لیبرالیسم ونارضایتی های آن

جمیل رزمی: مبین کرباسی پژوهشگر ومحقق جوان در ادامه فعالیت های خود درحوزه نشر کتاب ترجمه نظریه پردازمشهورفرانسیس فوکویاما با عنوان لیبرالیسم و نارضایتی های آن را به بازارکتاب عرضه کرده است. کرباسی نخستین کتاب خود را با ترجمه امنیت در خاورمیانه نوشته آندرس جاگرسگوک، مایکل شولز، اشتون سواین



به همراه دکتر علی آدمی به چاپ رسانده است و آن را در دسترس علاقمندان به کتاب درحوزه مطالعات بین الملل قرارداد.

کتاب لیبرالیسم ونارضایتی های آن ملهم از تفکرات و اندیشه های فوکویاما ازمبلغین لیبرالیسم واقعگرا است فوکویاما در این کتاب با تجمیع نظریات شخصیت های بزرگ مکتب لیبرالیسم در واقع تکمیل کننده آرای اندیشمندان مکتب لیبرالیسم می باشد گردآورده است. فوکویاما در این کتاب سعی در تطورآرای خودوآسیب شناسی دقیق نقاط ضعف این مشرب فکری و نظام های برخاسته ازاین مکتب در طول ادوار تاریخ می باشد.

او به دنبال ارائه راه حلی جدیدتری برای لیبرالیسم نیست بلکه اولیبرالیسم را کامل ترین نسخه بشری می داند که برای رسیدن به آن بشر در طول تاریخ هزینه گزافی را پرداخته است و اکنون نسل جدیدی میراث دار آن شده است که درک درستی از سختی های سپری شده برای دستیابی به لیبرالیسم و دمکراسی ندارند و اصول اولیه آن را به فراموشی سپرده و یا آنها را خارو ناچیز می دانند.

فوکویاما در این کتاب به دنبال چرایی این نارضایتی ها از لیبرالیسم است تا بتواند آن را آسیب شناس کند و آنها را بیان کند.

کتاب لیبرالیسم ونارضایتی های آن از انتشارات موسسه نگاه درسال۱۴۰۱ و درتیراژ۳۰۰ می باشدکه هم اکنون در کتابفروشی های معتبر در دسترس علاقمندان به تازه های کتاب می باشد.

کوتاه مثل موهایت

صحرا
مومنِ بارانِ تبسم های گاه گاهِ توست
و عطش
عقوبتِ کویرانِ دور از دست

و نباوارانِ به عشق
کافرانند

(سیاوش دهقانی)

سخنرانی علمی پروفسور رضا آذین در آکادمی علوم روسیه



در تاریخ ۲۴ آگوست ۲۰۲۲ (۲ شهریور ۱۴۰۱)، سخنرانی علمی با عنوان «مطالعه تجربی رژیم های جریان گازها و مایعات در محیط متخلخل» به دعوت آکادمی علوم روسیه (Russian Academy of Sciences-RAS) در مسکو توسط دکتر رضا آذین رییس مرکز پژوهشی نفت و گاز دانشگاه خلیج فارس ارایه شد.

در این سخنرانی، مجموعه ای از پژوهشهای اخیر گروه پژوهشی منابع هیدروکربنی، انرژی و محیط زیست مرتبط با جریان سیال در محیط متخلخل و ظرفیت‌های تحقیقات حوزه علوم زمین دانشگاه خلیج فارس ارایه گردید. نتایج آزمایش‌های انجام شده در دانشگاه خلیج فارس پایه گذار تحقیقات بنیادی و کاربردی آتی مشترک میان این دانشگاه با موسسه علوم زمین اشمیت آکادمی علوم روسیه است که توسط تیمهای متخصص دو موسسه تعریف و اجرا خواهد شد.

یادآوری خاطراتی از کنگره شهید رئیسعلی دلواری

دکتر عباس علوی نژاد



این روزها استان بوشهر در صدد تجلیل از رشادت های مردم استان بوشهر خصوصا شهید رئیسعلی دلواری و یاران فداکار ایشان است که جای تقدیر دارد. خواستم خاطره ای را در همین رابطه یادآوری کنم.

سال ۱۳۷۰که مدیرکل اجتماعی و انتخابات استانداری بوشهر بودم، با توجه به سفر مقام معظم رهبری به استان در سال ۶۹ و حضور در زادگاه و منزل شهید رئیسعلی دلواری و تجلیل از آن شهید بزرگوار، تصمیم گرفته شد کنگره بزرگداشت شهید رئیسعلی دلواری را برگزار کنیم.

آن زمان ندیمی بوشهری استاندار بود و دبیری کمیته علمی کنگره هم برعهده خودم بود و اعضای کمیته هم مرحوم حجت الاسلام استاد نبوی، دکتر حمیدی، دکترخیراندیش، دکتر مشایخی، مرحوم زنگنه، دکتر مالکی، یاحسینی، زنگویی و موسوی نژاد بودند و جلسات به طور منظم و مستمر برگزار می شد. سرفصل ها و محورها برای مقالات علمی تعیین و فراخوان مقالات انجام گرفت، مقالات بررسی و



با سفر به دلوار، بردخون، اهرم و دیدار با خانواده و بازماندگان شهید رئیسعلی دلواری، خالو حسین دشتی، احمدخان تنگستانی، زایر خضر خان اهرمی و شیخ محمد حسین خان چاهکوتایی، غضنفر السلطنهٔ برازجانی و دیدار با معمرین منطقه، ابعاد مبارزاتی مردم استان بوشهر بررسی و اطلاعات و اسناد ارزشمندی گردآوری شد.

فراخوان علمی با استقبال گسترده مورخان و بزرگان اهل تحقیق در سطح ملی و استان مواجه شد و شخصیت های ارزشمندی از حوزه و دانشگاه از جمله مرحوم استاد حجت الاسلام علی دوانی، دکتر پاریزی باستانی، دکتربیات، دکتر رستگارفسایی، دکتر افشار، دکتراقتداری، دکتر اتحادیه، دکتر وثوقی، دکتر اسدپور، دکتر سعیدی نیا و تعداد دیگری از اساتید و مورخان برای سخنرانی و ارایه مقاله همکاری کردند و حضور یافتند.

مقالات ارسالی هم توسط اعضای کمیته علمی بررسی ومقالات برگزیده در چند جلد کتاب به چاپ رسید.

در کنار کارهای علمی چند فعالیت ارزشمند دیگر هم انجام شد، یکی مرمت خانه شهید رئیسعلی و ایجاد موزه و کار دیگر اجرای قسمتی از مبارزات مردم در آن زمان به سبک تعزیه که باهمت و تلاش ایرج صغیری انجام شد و حجت الاسلام شیخ قربانی هم نقش شهید رئیسعلی را به عهده داشت و مورد استقبال گسترده مردم قرار گرفت.

سومین کار، مانور گسترده ای با حضور حدود صد هزار نفر از بسیجیان از تعدادی از استان های کشور از جمله آذربایجان، اردبیل، زنجان، کرمانشاه، فارس، اصفهان، کهکیلویه و بویر احمد، لرستان، چهارمحال و بختیاری، برگزار شد. حجم نیروهای شرکت کننده در حدی بود که نیروهای استانهای شرکت کننده بین شهرستان های بوشهر، دشتستان، دشتی، تنگستان و گناوه تقسیم شدند تا هر شهرستان میزبان چند استان باشد.

برنامه های کنگره در رسانه های داخلی و خارجی انعکاس گسترده ای داشت و یاد و خاطره مبارزات بی نظیر مردم استان بوشهر را به نمایش گذاشت.

در کنار این برنامه ها از فداکاری و رشادت های شهدای بزرگواری مثل شهید نادر مهدوی و یارانش در سال های جنگ تحمیلی در خلیج فارس هم تجلیل شد.

در همین راستا مرکز بوشهرشناسی هم پس از کرمان شناسی دومین مرکز کشور بود، که در بوشهر راه اندازی شد و اولین رئیس آن مرحوم استاد سید محمد حسن نبوی بود و پس از آن هم تاکنون با زحمات دکتر مشایخی و جناب مظفری زاده و همکارانشان، کارهای ارزشمندی را برای معرفی تاریخ و فرهنگ استان بوشهر انجام داده است.

روسیه در باتلاق اوکراین

دکتر عباس حاتمی



روسیه در مدت بیش از ۱۸۰ روز تجاوز به اوکراین تلفات و شکست سنگینی به شرح زیر متحمل شده است: تلفات ۲۵ درصدی نظامیان درگیر شامل ۱۱ ژنرال، سرنگونی۲۰۵ هلیکوپتر و ۲۰۰ هواپیما، انهدام ۱۳۵۰ تانک و ۳۰۰۰ توپ و خودرو زرهی، نابودی ۶ ناو جنگی و...

لازم به ذکر هست تلفات شوروی در طول ۱۰ سال جنگ در افغانستان ۱۰ هزار نفر بود.

علاوه بر آن تحریم و انزوای بین المللی گسترده.

جنگ در اوکراین روزانه ۱ میلیارد دلار بر روسیه هزینه مستقیم دارد.

لذا پوتین به مقدار کافی تنبیه شده و برای جلوگیری از تلفات و خسارات غیر نظامیان اقدامات ذیل ضروری هست:

- پیشنهاد روسیه برای مذاکره و آتش بس مورد قبول اوکراین و غرب قرار گیرد.
- بعد از آتش بس جامعه جهانی اقدامات زیر انجام خواهند داد:
- از دارایی های بلوکه شده روسیه برای پرداخت خسارات به اوکراین استفاده شود (حدود ۶۰۰ میلیارد دلار).
- پوتین و اعضای دولت درگیر در جنگ به دادگاه کیفری بین المللی برای محاکمه سپرده شوند.
- روسیه از حق وتو در شورای امنیت عزل شود.
- تحریم‌ها برای تضعیف ماشین جنگی پوتین تا زمانیکه پوتین در قدرت هست ادامه یابد.
- اگر پوتین بر ادامه جنایت علیه بشریت اصرار کند ممکنست ضمن تسلیح ارتش اوکراین به سلاح های هسته ای و غیر متعارف، ناتو در اوکراین منطقه پرواز ممنوع اعلام کند و آمریکا جنگنده های اف-۱۶ و اف-۳۵ در اختیار اوکراین قرار دهد.

اوکراینی ها کم کم از موضع دفاعی خارج شده و به نیروهای اشغالگر روسی حمله می‌کنند. اگر تاسیسات شهرهای روسیه بویژه مسکو مورد هدف موشک‌ها و پهپادهای ارتش اوکراین قرار گیرند پوتین مجبور به توقف جنگ می‌شود.

۴ عامل در موفقیت اوکراین و شکست روسیه نقش اساسی داشت:

۱- قدرت رهبری و استقامت زلنسکی
۲- حمایت همه جانبه مردم از زلنسکی
۳- حمایت غرب بویژه آمریکا از اوکراین
۴- بی انگیزگی ارتش روسیه.

- پوتین در روز حمله به اوکراین در جمع فرماندهان نظامی گفت: اوکراین به سرزمین مادری روسیه بر می گردد!!!

اینک پس از ۶ ماه فقط ۲۰ درصد از خاک اوکراین را اشغال کرده و تقریبا تمام تاکتیک‌ها و استراتژی های پوتین شکست خورده است.

